



از سوی این نهادهای امپریالیستی و به‌رغم تزییق "حدود ۶۲۱ میلیارد دلار" به اقتصاد کشور بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، بنا به‌گفته یک اقتصاددان، "بی‌سابقه‌ترین صنعت‌زدایی‌ها در تاریخ اقتصاد ایران" را به‌بار آورد.

ادامه در صفحه ۳

## خصوصی‌سازی و امنیت شغلی طبقه کارگر

برنامه خصوصی‌سازی، یکی از مهم‌ترین محورهای راهبرد اقتصادی- اجتماعی رژیم ولایت‌فقیه، اثرهایی شوم بر امنیت شغلی زحمتکشان داشته است. رواج قراردادهای موقت، سقوط سطح زندگی خانوارهای کارگری و شکاف ژرف میان هزینه و دستمزد، از پیامدهای اجرای این سیاست خانمان‌سوز و ضد کارگری بوده است. در اوضاع‌واحوال فروپاشی اقتصاد کشور، حسن روحانی، در خلال سفرش به نیویورک و دیدار با مدیر اجرایی صندوق بین‌المللی پول، بار دیگر بر گسترش روابط جمهوری اسلامی با "نهادهای پولی جهانی" از جمله صندوق بین‌المللی پول تأکید کرد. تأکید بر روابطی که همراه با اجرای سیاست‌های اقتصادی‌ای دیکته‌شده



شماره ۱۲، ۲۳ مهر ماه ۱۳۹۷

## بیکاری و بحران معیشت زحمتکشان



جهان" توصیف کرد.

وزیر کار وقت (علی ربیعی) در تیرماه ۱۳۹۶ اجرای طرح کارورزی را به‌عنوان یکی از طرح‌های مصوب ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی ابلاغ کرد. قرار بود با پرداخت ماهیانه حدود ۳۷۰ هزار تومان و بدون ارائه بیمه، "سالانه ۱۵ هزار فارغ‌التحصیل جویای کار" در این طرح جذب شوند. در گزارشی در ۲۰ شهریورماه، خبرگزاری مهر در مورد طرح "کارورزی" نوشت: "کارفرمایان به‌رغم معافیت دوساله از پرداخت حق بیمه مشروط بر جذب این افراد، از این طرح اشتغالی دولت استقبال نکردند". این گزارش همچنین افزود: "متأسفانه بسیاری از طرح‌ها در کشور ما پیش از نشست‌های تخصصی با شرکای اجتماعی اجرا و پس از مدتی، با شکست مواجه می‌شوند."

آمارهای ارائه‌شده نشان می‌دهند نرخ بیکاری در ماه‌های اخیر افزایش داشته و با رکود و ورشکستگی واحدهای صنعتی این آمار رشد بیشتری نیز خواهد یافت. بر پایه آمار رسمی دولت، فقط در سه ماه نخست امسال و با آغاز نوسانات ارزی و سقوط ارزش پول ملی نرخ بیکاری ۱۲/۱ درصد بود که نسبت به فصل مشابه سال قبل تعداد ۷۵۶ هزار نفر بر بیکاران افزوده شده است.

مرکز پژوهش‌های ادامه در صفحه ۳

افزایش افسارگسیخته قیمت ارز در بطن اجرای مداوم قانون ویرانگر "هدفمندی یارانه‌ها" که هدفمندی‌اش آزادسازی قیمت‌ها در هشت سال اخیر بوده، تا کنون به بحران اقتصادی‌ای بی‌سابقه در تاریخ کشورمان و بیکاری فاجعه‌بار زحمتکشان منجر شده است. هم‌زمان با اجرای سیاست‌های اقتصادی دیکته‌شده از سوی صندوق بین‌المللی پول به‌هدف آزادسازی اقتصاد، وزیر کار قبلی، علی ربیعی، بر پیش‌برد تعدادی طرح به‌غایت استثماری مانند "کارورزی" به‌اصطلاح برای "ایجاد اشتغال" اصرار داشت. به‌علت مخالفت گسترده مردمی، به‌خصوص جنبش کارگری و دانشجویی کشورمان با طرح‌های ضدانسانی وزارت کار، به‌نظر می‌رسد این طرح‌ها به پایگانی سپرده شده‌اند. اکنون سرپرستی که جانشین ربیعی در وزارت کار شده یعنی محسنی بندپی، ادامه اجرای این طرح را اعلام کرده است.

روز ۱۴ مهرماه دبیر خانه کارگر بیرجند گفت: "بیشتر کارخانه‌های موجود در شهرک صنعتی رو به ورشکستگی هستند". مطابق گزارش ۱۰ شهریورماه خبرگزاری مهر، اخیراً رئیس مرکز آمار ایران در سخنانی با بیان اینکه ۲۷ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر در کشور دنبال کار هستند" افزوده است: "سه میلیون و ۳۰۰ هزار نفر بیکار مطلق در کشور وجود دارد". به‌عبارت‌دیگر، رژیم ولایتی ۲۷ میلیون نفری را که "دنبال کار" می‌گردند، بیکار محسوب نمی‌کند. اما محسنی بندپی که کمتر از سه ماه عهده‌دار سرپرستی وزارت کار است آمار بسیار عجیبی را ارائه داده است. برای نمونه، روز ۱۰ شهریورماه اعلام کرد: "هم‌اکنون ۱۸ میلیون شاغل در بخش تعاون داریم" و در ۲۵ شهریورماه و در دنبال ابراز این‌گونه عجایب، ایجاد اشتغال در "سال‌های ۹۴ و پس از آن" را "تجربه نادری در

## مبارزه در راه‌ترمیم و افزایش مزد: راهکارها و وظایف

اهمیت تشکیلات، اتحاد عمل و اعتصاب، برای تأمین منافع کارگران و زحمتکشان ادامه یافتن اجرای شوک‌درمانی و افزایش گام‌گسیخته قیمت کالاها و خدمات همگانی، بر امنیت شغلی و معیشت طبقه کارگر و زحمتکشان تأثیری ویرانگر داشته است. در چنین اوضاعی، موضوع ترمیم هیئت وزیران به‌ویژه گزینش وزیر کار نیز تدوین و طراحی بسته‌هایی حمایتی که با تغییراتی اعمال‌شده از سوی مجلس در آن، طبقه کارگر در زمره افراد تحت پوشش بهزیستی و کمیته امداد (خمسینی) قرار می‌گیرند، راهکارهایی بوده‌اند که رژیم و دولت امیدش برای رسیدگی به وضعیت وخیم زندگی زحمتکشان تدبیر کرده‌اند. در این بازه زمانی سطح زندگی و قدرت خرید خانوارهای کارگری در سراسر کشور به‌شدت سقوط کرده و سفره آنان بیش‌ازپیش کوچک‌تر شده است. مطابق برآوردهای رسمی، بر اثر کاهش ارزش پول ملی، بیش از ۹۰ درصد قدرت خرید مزدی از میان رفته است و به‌این دلیل زحمتکشان میهن ما به‌سختی از عهده تأمین مایحتاج اولیه و اصلی زندگی نیز برمی‌آیند. خبرگزاری ایبنا، اوایل مهرماه سال جاری، گزارش می‌دهد: "محاسبات صورت گرفته نشان می‌دهد که تا مهرماه امسال، قدرت خرید کارگران نسبت به ابتدای سال، ۹۰

ادامه در صفحه ۲

پیش به‌سوی سازمان‌دهی مبارزه منسجم و سراسری کارگران و زحمتکشان بر ضد ظلم، بی‌عدالتی، محرومیت، و سرکوب حقوق صنفی کارگران؛ برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری و در راه طرد رژیم ولایت فقیه!

## ادامه مبارزه در راه ترمیم و افزایش مزد ...

درصد کاهش یافته است. «اینها در ادامه این گزارش می‌نویسد: «کاهش که به نظر نمی‌رسد حتی اگر معجزه‌های رخ بدهد و کاهش قیمت دلار برای یک مدت قابل قبول، پایدار بماند، تا چندماه آینده جبران شود. ... این روزها همانطور که تشکل‌های مستقل کارگری مطالبه می‌کنند باید حداقل ۷ میلیون تومان درآمد داشته باشی تا اموات در یک حد قابل قبول بگذرد.»

انوشیروان بندپی، سرپرست وزارت کار، با صراحت از مخالفت خود و دولت با تشکیل جلسه شورای عالی کار به منظور افزایش دستمزدها سخن به میان آورده و تأکید ورزیده است، با اختصاص بسته‌های کالایی و کالا کارت درصد جبران کاهش قدرت خرید زحمتکشان است.

لزوم ترمیم و افزایش دستمزد کارگران در وضعیت کنونی، اینک به یکی از مباحث اصلی در میان مبارزان جنبش کارگری- سندیکایی نیز به خواست فوری کارگران تبدیل شده است. نکته پراهمیت در این بحث‌ها و رایزنی‌ها، ضروری بودن توجه به ارتباط میان این خواست به حق با دیگر خواست پراهمیت یعنی احیای حقوق سندیکایی است.

بی‌تردید برای آنکه بتوان اعتراضات پراکنده کنونی کارگران را بر محور خواست ترمیم و افزایش دستمزدها سازمان داد و نیروی مادی لازم را در صحنه سیاسی- اجتماعی به هدف تأمین این مطالبه فراهم آورد، به تشکل واقعی، طبقاتی و مستقل کارگری نیاز است. در تمام طول سالیان گذشته، در سایه سرکوب خشن و خونین جنبش کارگری و تحمیل حالت تدافعی به این جنبش، دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی به موازات اجرای برنامه مخرب تعدیل ساختاری، چگونگی تعیین دستمزد را به گفته معاون خانه کارگر «مدیریت» کرده‌اند. به معنای دقیق‌تر، رژیم و تشکل‌های مزد حکومتی با روش‌های سرکوب و فریب مانع از افزایش واقعی و عادلانه دستمزدها بوده‌اند. در طول بیش از سه دهه اخیر هرگز دستمزد طبقه کارگر و زحمتکشان به صورت عادلانه، بر اساس اصل سه‌جانبه‌گرایی و پیمان و مذاکره جمعی و حضور سازمان‌های سندیکایی مستقل و مطابق با نرخ واقعی تورم سید معیشت تعیین، تنظیم و اعلام نشده است. همواره در این سال‌ها افزایش دستمزد و ترمیم شکاف مزد- هزینه تابعی از سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی مورد نظر رژیم ولایت فقیه به‌ویژه در چارچوب برنامه‌هایی همچون خصوصی‌سازی و آزادسازی اقتصادی بر پایه فرمان‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی بوده است. به این معنا که، منافع و حقوق بدیهی کارگران و زحمتکشان قربانی تأمین امنیت سرمایه، اثبات ثروت و تضمین سود برای کلان سرمایه‌داران بوده است. نمونه‌های عملکرد دولت احمدی‌نژاد و دولت حسن روحانی بهترین گواه برای اثبات این واقعیت است. دولت احمدی‌نژاد با آغاز سیاست ضد کارگری و ضد ملی جراحی اقتصادی، یعنی هدفمندسازی یارانه‌ها، با دست بردن در قوانین حتی ناقص در سایه حمایت ولی فقیه، مجلس، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام، ترکیب شورای عالی کار را به سود کارفرمایان تغییر داد و از این طریق وبه‌ظاهر مطابق «قانون»، راه را بر هرگونه اقدام عملی و مؤثر برای افزایش دستمزدها و تأمین حقوق بنیادین کارگر از مجرای این شورا مسدود ساخت. ولی فقیه با طراحی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بر این اقدام‌ها در چارچوب راهبرد اقتصادی رژیم صحنه گذاشت. دولت حسن روحانی نیز با حفظ این تغییرات ضدکارگری در ترکیب شورای عالی کار، در گرماگرم بحران فراگیر اقتصادی و سقوط ارزش پول ملی مانع از ترمیم مزد شده و بدتر آنکه، با چوب حراج زدن به سازمان تأمین اجتماعی در بطن اجرای سیاست شوک‌درمانی، به غارت‌داری کارگران پرداخته است. هدف این اقدام‌ها، تقویت نقش بیمه‌های خصوصی و تضعیف سازمان تأمین اجتماعی است. سخنگوی دولت، رئیس سازمان برنامه و بودجه و رئیس دفتر ریاست جمهوری، با حمایت مستقیم دستگاه‌های مختلف حکومتی، در برابر اعتراضات و خواست کارگران برای افزایش دستمزد، با طراحی بسته‌هایی حمایتی، کارگران را در مرتبه و مقام افراد تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی تعریف و معرفی می‌کنند. راهبرد رژیم در وضعیت کنونی جلوگیری از هرگونه اعتراضات فراگیر و سازمان‌یافته کارگری با خواست افزایش دستمزدها است. سرکوب جنبش سندیکایی، نبود سندیکاهای واقعی به‌مثابه سازمان پایه طبقاتی زحمتکشان، دست دولت و رژیم را برای چپاول منافع طبقه کارگر میهن ما باز گذاشته است. با آنچه مورد اشاره قرار گرفت، باید تأکید کنیم گام نخست برای تأمین خواست ترمیم و افزایش مزد در اوضاع کنونی، مبارزه همه‌جانبه و خستگی‌ناپذیر با استفاده از همه گونه امکانات و روزنه‌ها برای احیای حقوق سندیکایی است. در صورت فعالیت و مبارزه سندیکاهای واقعی می‌توان نیروی اجتماعی مؤثر زحمتکشان را به شکل سازمان‌یافته و متحد برای تحقق این خواست و دیگر خواسته‌های به حق به میدان کشانید، دولت و رژیم را به چالش طلبید. در این زمینه تأکید

بر هوشیاری و پرهیز از دام‌های رژیم و دستگاه‌های امنیتی بسیار مهم و حیاتی است. نباید گذاشت به شکل‌هایی مختلف و در پوشش‌هایی به‌ظاهر «کارگری» و «مردمی»، نیروی جنبش کارگری- سندیکایی دچار تفرقه شده و در بحث‌های بی‌سرانجام درخصوص نوع تشکل‌های کارگری و عوام‌فریبی‌هایی نظیر «سندیکا رفرمیستی» است و باید نهاد دیگری جایگزین آن شود، گرفتار گردید. درخصوص اهمیت سندیکا در مقام سازمان پایه طبقاتی زحمتکشان باید تأکید کرد. احیا و ایجاد سندیکاها و احیای حقوق سندیکایی در اولویت قرار دارد. تشکل هر نهاد دیگری نباید و نمی‌تواند با این خواست بنیادین در تضاد قرار گیرد. فراموش نکنیم که در اوایل انقلاب رژیم با دامن زدن به بحث‌های انحرافی سرپرست وزارت کار، انتقاد به وزیر اقتصاد و کارگری- سندیکایی شد و از این طریق توانست به راحتی جنبش را سرکوب و منافع طبقه کارگر را پایمال سازد. به‌هرروی، با تمام توان جهت اتحاد عمل و پرهیز از تفرقه باید حرکت کرد.

در هفته‌های اخیر گزارش، مصاحبه و خبرهایی متعدد در زمینه لزوم افزایش و ترمیم مزد از سوی رهبران و نمایندگان تشکل‌های مزد حکومتی انتشار یافته و به صورتی هدفمند بزرگ‌نمایی می‌شوند. نامه جمعی برای تشکیل جلسه شورای عالی کار، اعتراض به عملکرد و سیاست‌های سرپرست وزارت کار، انتقاد به وزیر اقتصاد و نظایر آن منتشر و زیر نام نظرات کارگری در رسانه‌های همگانی بازتابی گسترده یافته‌اند. در این واقعیت که در چارچوب مبارزه سندیکایی استفاده از همه امکانات ضرور و پراهمیت است، نباید تردید داشت. اما میان استفاده از همه روزنه‌ها و امکانات موجود با تلاش هدفمند و برنامه‌ریزی‌شده برای انحراف مبارزه و جلوگیری از ارتقای سطح زندگی جنبش سندیکایی تفاوتی غیرقابل چشم‌پوشی و بسیار پراهمیت وجود دارد که باید بر آن پافشاری کرد. پرسش اینجاست که، اگر مطابق گفته و نوشته تشکل‌های مزد و برخی نمایندگان آنان بحران فراگیر و سقوط ارزش پول ملی چنان عرصه زندگی را بر کارگران تنگ ساخته و فقر گریبان خانوارهای کارگری را درهم می‌فشرد و دولت نیز پاسخگو نیست، چرا از حقوق شناخته‌شده سندیکایی که بر مبنای تمامی اسناد معتبر بین‌المللی قانونی و به حق است نباید استفاده کرد؟! اعتصاب حق سیاسی کارگران است و اسناد معتبر از جمله منشور جهانی حقوق سندیکایی و مقاوله‌نامه‌های سازمان جهانی کار بر آن صحنه گذارده‌اند. بنابراین، چرا نمایندگان تشکل‌های مزد حکومتی وقتی در از حقوق پایمال‌شده زحمتکشان می‌زنند، از حق اعتصاب در حکم سلاح کارآمد طبقه کارگر سخنی به‌میان نمی‌آورند؟!

همه آنانی که در این روزها و ماه‌های دشوار بحران اقتصادی و سقوط قدرت خرید کارگران از ترمیم مزد دم می‌زنند و خودشان را نمایندگان کارگران و تشکل‌های‌شان را تشکل صنفی کارگری معرفی می‌کنند، باید بگویند اگر دولت و کارفرمایان از اجابت این خواسته‌های مشروع سرباز زدند، چه خواهند کرد؟ به چه علت در قبال این اقدام یعنی توسل به حق اعتصاب، سکوت اختیار کرده و لب فرومی‌بندند؟!

ترمیم و افزایش مزد با خواست، تمنا و در پیورگی از صاحبان قدرت و ثروت به‌دست نمی‌آید. تحقق منافع زحمتکشان با نیروی سازمان‌یافته توده‌های کارگر و استفاده به‌جا و به‌هنگام از سلاح کارآمد اعتصاب امکان‌پذیر است. توجه داشته باشیم در تمام اسناد معتبر درخصوص حقوق بنیادین کار و حقوق سندیکایی بر حق اعتصاب همچون حق سیاسی کارگران تأکید شده است.

به اعتقاد ما، رژیم از طریق تشکل‌های مزد و مزد حکومتی با مانورهای فریبکارانه درصدد کنترل و مهار جنبش سندیکایی زحمتکشان است. تشکل‌های مزد حکومتی به‌خوبی آگاه‌اند که در میان توده‌های کارگر منزوی و مطرودند. مانورهای هدفمند این تشکل‌ها به قصد مهار جنبش سندیکایی کارگران در چارچوب منافع رژیم و حفظ نظام است. رهبری این تشکل‌ها را اریستوکراسی فاسد کارگری رژیم و ولایت فقیه تشکیل می‌دهد و اشاره باید کرد که از غارت دست‌رنج و دارایی زحمتکشان سهمیه‌ای نیز نصیب این اریستوکراسی می‌شود. از این جهت، عملکرد و سیاست رهبری این تشکل‌ها فقط خدمت به نظام استبدادی حاضر بوده است و در مقام اهرم‌های کنترل رژیم علیه جنبش کارگری عمل کرده و می‌کنند. در این میان البته حساب بدنه این تشکل‌ها و شماری از افراد مرتبط با این بدنه با رهبری فاسد تشکل‌هایی نظیر خانه کارگر، کانون عالی انجمن‌های صنفی و شوراهای اسلامی کار جدا است و باید در راستای انزوا و افشای رهبران این تشکل‌ها و جذب و حضور بدنه آن‌ها به جنبش کارگری و سندیکایی موجود مبارزه کرد و از این راه نیز سیاست‌های رژیم را افشا و ترفندهای آن را خنثی ساخت.

با زرفش بحران در صحنه سیاسی و تحول‌های آن، سازمان‌دهی جنبش اعتراضی پراکنده کارگران و تجهیز آن به شعارهایی صحیح و کارآمد اولویت انکارناپذیر همه مبارزان جنبش کارگری و سندیکالیست‌های راستین است. به‌طور خستگی‌ناپذیر در راه ارتقای سطح سازمان‌دهی و همبستگی نیز تلفیق خواسته‌های سیاسی و صنفی در جنبش کارگری باید رزمید و زمینه‌های ذهنی ضرور به‌منظور تقویت جنبش را فراهم ساخت. اعتصاب حق سیاسی و غیرقابل چشم‌پوشی کارگران و زحمتکشان در حرکت آنان به‌منظور تأمین منافع‌شان بوده و هست. در اوضاع کنونی از حق اعتصاب با شعارهایی صحیح و با تأکید به اتحاد عمل می‌توان و باید استفاده کرد.

## ادامه خصوصی سازی و امنیت شغلی ...

موجودی زحمتکشان با چهار "شوک ارزی"، خصوصی سازی و چپاول کردن بنگاه های تولیدی در سه دهه اخیر، خصوصی سازی اندوخته های کارگران در سازمان تامین اجتماعی در دو سال اخیر، خصوصی سازی منابع نفتی کشورمان را نیز با ترفند "دور زدن تحریم ها" در هفته های اخیر آغاز کرده و به تجاوزی آشکار به این منابع دست زده است.

در اجلاس از "شورای عالی هماهنگی اقتصادی"، با حضور و حمایت ولی فقیه خامنه ای و به ریاست روحانی و شرکت و هماهنگی رئیس های قوای مقننه و قضائیه، روز ۲۹ شهریورماه ۹۷، عرضه نفت خام در بازار بورس و "حضور و فعالیت بخش خصوصی در فروش و صادرات نفت" به تصویب رسید. در این جلسه معاونان قوای سه گانه، تعدادی از اعضای کابینه روحانی، دادستان کل کشور و رئیس های کمیسیون های مجلس نیز شرکت داشتند. به عبارت دیگر، این تجاوز به منابع ملی کشورمان، با شرکت و هماهنگی تمامی جناح های رژیم انجام گرفت. نایب رئیس کمیسیون انرژی مجلس با هیجان به خبرگزاری مهر گفت: "به وزارت نفت پیشنهاد می شود که اگر برای ایجاد بورس نفت به قانون نیاز دارد، لایحه ای با قید فوریت به مجلس ارائه دهد تا قانون در این باره مصوب شود." فردای آن روز یکی از اعضای کمیسیون انرژی مجلس به خبرگزاری ایلنا گفت: "کسانی که این موضوع را دنبال می کنند دلالاتی مثل بابک زنجانی هستند ... نفت ... یک کالای بین المللی است ... این گونه نیست که هر کس نیاز داشت در داخل هم از بورس نفت بخرد. بنابراین وقتی قیمت نفت ثابت است و مشتری آن هم مشخص است دلیلی ندارد برای آن بازار جدیدی درست کنیم."

در مدت کمی بیش از ۵ سال، دولت های روحانی آزادسازی اقتصاد و اعمال تعدیل ساختاری به منظور تاراج منابع ملی کشورمان، خصوصی سازی بنگاه های تولیدی، مقررات زدایی در محیط و روابط کار، خصوصی سازی آموزش و پرورش و درمان زحمتکشان را تا نقطه ای پیش برده اند که "شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران" در بیانیه اش به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۹۸-۹۷ نوشت: "دولت روحانی اگر یک برنامه منسجم داشته باشد آن برنامه پولی سازی آموزش در راستای افزایش بنگاه های آموزشی و کالایی سازی خدمات آموزشی است." علاوه بر خودداری دولت از پرداخت ۱۶۰ هزار میلیارد تومان بدهی اش به سازمان تامین اجتماعی و ناتوان بودن سازمان تامین اجتماعی به پرداخت مستمری کارگران بازنشسته از اندوخته اش (یعنی از اندوخته خود کارگران)، رژیم متجاوز، خصوصی سازی بنگاه های تولیدی کارگران در سازمان تامین اجتماعی و تهدید امنیت شغلی کارگران شاغل در این بنگاه ها را آغاز کرده است. رژیم ولایتی تجاوز به حقوق زحمتکشان را تا جایی به پیش برده است که فقط در دو هفته اول مهرماه گروهی از ۱۵۰۰ نفر کارکنان به اصطلاح "سهام عدالت کشور" دوباره از نقاط مختلف کشور به تهران آمده اند و در اعتراض به "۴۲ ماه معوقات مزدی و بیمه و امنیت شغلی" خود شبها را مقابل ساختمان سازمان خصوصی سازی به سر برده اند.

معاون سازمان راهداری، ۱۵ روز پس از انکار دور دوم اعتصاب رانندگان کامیون جان به لب رسیده و بازداشت حدود ۲۵۰ راننده های کامیون، از تن دادن رژیم به خواسته رانندگان مبنی بر محاسبه نرخ حمل بار "بر اساس تن- کیلومتر" خبر داد. بر اساس گفته او، اگر بررسی در این مورد به "یک شرکت خصوصی واگذار" می شد رسیدن به نتیجه ای قطعی به بیش از یک سال زمان نیاز داشت، ولی با "برگزاری جلسات چندین ساعته"، کارگزاران رژیم فاسد توانستند سه ماه بعد از پایان دور اول اعتصاب کامیون داران "به نتیجه قطعی" برسند، اما بار دیگر و مطابق معمول، تصمیم نهایی را به یک هفته بعد و به نظر "شورای عالی حمل و نقل" و "تأیید وزیر راه" موکول کردند. وزیر نیرو، روز ۱۱ مهرماه، با اعلام افزایش "تنها ۷ درصدی قیمت آب و نیاز به برنامه های مشابهی" درباره تعرفه برق، بر "حقیقی شدن قیمت آب و برق و ارائه ظرفیت ها و پتانسیل های داخلی به متقاضیان و فعالان این صنعت در داخل و خارج کشور" تأکید کرد. وزیر نیرو همچنین آگاه کردن "دشمنان" از اینکه رژیم "به فعالیت خود ادامه می دهد" را لازم دانست. روز ۱۴ مهرماه، نوبخت، معاون روحانی نیز بر مهیا بودن "فرصت برای سرمایه گذاری خارجی" تأکید کرد. در حین ادامه خصوصی سازی و آزادسازی اقتصاد و با چشم امید دوختن به کرامات جذب سرمایه خارجی در قبال ارائه نیروی کار بسیار ارزان ایرانی، کارگزاران رژیم بر ادامه "فعالیت" عادی در رویارویی با "دشمنان" [بخوان: جنبش مردمی کشورمان] نیز اصرار دارند. رژیم دیکتاتوری ولایت فقیه، ادامه دادن به خصوصی سازی، تجاوز به منابع، حقوق، امنیت شغلی زحمتکشان، سرکوب کردن و به زندان انداختن آنان را تنها راه تضمین بقای "نظام" ش می داند. مبارزه در راه احیای حقوق سندیکایی، تشکیل سندیکاها به منزه سازمان پایه طبقاتی کارگران و سازمان دهی و انسجام دادن به اعتراض های پراکنده کارگری برای مبارزه ای متحد همراه با دیگر گردان های جنبش خلق در برابر رژیم، تنها راه تحمیل عقب نشینی به رژیم ستمگر ولایت فقیه است.

## ادامه بیکاری و بحران معیشت ...

مجلس با گسترش بحران ارزی، اعلام داشت، ارقام مربوط به بیکاری در استان های مختلف کشور نگران کننده و بحران زاست. به رغم محاسبه خود رهبران تشکلهای زرد حکومتی که "تا ششم مهرماه، دستمزد کارگران ۹۰ درصد قدرت خرید خود را از دست داده است" و با وصف گزارش ۱۳ مهرماه ایلنا و "زنگ هشدار" ۵۰ اقتصاددان که این "شوک ارزی چهارم... تورم را بالای ۶۰ درصد افزایش خواهد داد"، اکثریت قریب به اتفاق رهبران تشکلهای به اصطلاح کارگری معتقدند که افزایش دستمزد کارگران حتی به مقدار قدرت خرید از دست رفته مطابق محاسبات خودشان، به صورت نقدی و ماهیانه "تورم زاست" و باید به صدقه سوری رژیم ولایتی در قالب "بن کارت" - یعنی همان "سبد کالا" - احتمالاً یک بار در سال - قانع بود. در رابطه با توزیع همان "سبد کالا" و سه ماه بعد از آغاز صحبت از "ترمیم دستمزد کارگران" نیز محسنی بندپی، روز ۱۱ مهرماه، گفت: "اگر ما مقداری تأخیر می کنیم به این دلیل است که به عدالت و دقت نزدیک تر بشویم." در غیاب تشکلهای مستقل سندیکایی کارگران، رژیم قدرت دارد سیاست های ظالمانه اش را به منظور بهره کشی وحشیانه از زحمتکشان ادامه دهد. فقط با تشدید مبارزه می توان با سیاست های ضد کارگری رژیم مقابله و از حقوق زحمتکشان دفاع کرد.

## ادامه مبارزه زحمتکشان دیگر کشورها ...

کارگران را بدتر از شرایط برده ها می نماید، چراکه آنان "تمامی بدبختی های برده را داشته ولی فاقد تامین همانند آنان" هستند. برده ها در دوره مارکس "با شکنجه تنظیم شده" وادار به کار می شدند، همان طور که ادوارد باپتیست در کتاب "تیمه ای که هرگز بیان نشده" نوشته است، اما مارکس در مورد وضعیت برده های قدیم و برده های مدرن که به اصطلاح "آزاد" بودند و (مجبورشان می کردند) که نیروی کار خود را فقط برای زنده ماندنشان بفروشند، می نویسد.

مارکس اشاره می کند که اغلب مبارزات برای افزایش حداقل دستمزد بعد از اینکه سرمایه داران از افزایش بهره روی نیروی کار، فناوری، عرضه و تقاضا و تورم، سود عظیمی حاصل شان می شود، اتفاق می افتد و بنابراین، این اشتباه است که فقط به افزایش حداقل دستمزد نگاه کنیم بدون در نظر گرفتن اینکه این درخواست به طور طبیعی "مسیر خود را طی می کند". خواست افزایش حداقل دستمزد تنها پاسخ طبقه کارگر به تغییراتی است که خود سرمایه داران ایجاد کرده اند و نباید غافل شد که این "نتیجه گیری از یک فرضیه غلط و رسیدن به یک نتیجه غلط است". همان طور که مارکس در نتیجه گیری اش می گوید، یعنی: "گرایش عمومی سرمایه داری نه به نیت افزایش بلکه کاهش دستمزدهای استاندارد است."

با نگاهی به فقر و تورم در کانادا می بینیم که دستمزد استانی از سطح قیمت ها بسیار عقب است و در عین حال سود شرکت ها سر به آسمان می زند. خط فقر برای یک خانواده چهار نفره در شهرهایی با جمعیت ۱۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفری هنوز پایین تر از حداقل دستمزد افزایش یافته است، به همین دلیل، به یک دستمزد قابل زیست نیاز داریم و نه حداقل دستمزد.

مارکس اشاره دارد که در نهایت جنبش کارگری "مراکز مقاومت" خوبی را برای مبارزه با سرمایه داری ایجاد می کند، ولی چنانچه این جنبش ها فقط به "جنگ پارتیزانی علیه معلول ها"، اکتفاء کنند، کم خواهند آورد. باید که به طور هم زمان از تشکل و سازمان دهی همچون سلاحی برای تغییر و حذف سرمایه داری و سیستم دستمزدی استفاده کرد.

ترجمه از: نشریه صدای مردم وابسته به حزب کمونیست کانادا، ۹ مردادماه ۱۳۹۷

## چرا کارل مارکس می گوید افزایش حداقل دستمزد موجب افزایش قیمت‌ها نمی‌شود؟

اشاره‌ای کوتاه: کاهش ارزش پول ملی طی ماه‌های اخیر سبب سقوط قدرت خرید زحمتکشان میهن ما شده است. اما رژیم ولایت فقیه با ترفندی مبنی بر اینکه "افزایش مزد سبب رشد نرخ تورم و قیمت‌ها می‌شود"، از تحقق خواست کارگران برای ترمیم دستمزد مانع می‌شود. این ترفند ابداع کلان‌سرمایه‌داران وطنی و حامی سیاسی آنان یعنی رژیم ولایت فقیه نیست. برای افشای چنین دروغ‌پردازی‌ای مطلبی برگرفته از روزنامه "صدای مردم" - وابسته به حزب کمونیست کانادا - برای آشنایی مبارزان راستین جنبش سندیکایی میهن ما، در زیر می‌آید: وقتی که نامزد انتخابات در استان انتاریو و درصدد جلب آرا بودم، در دفاع از افزایش دستمزدها با مخالفت شدیدی روبرو شدم. گفته می‌شد این امر باعث بالا رفتن قیمت‌ها خواهد شد. مارکس هم، حتی از طرف رهبران کارگری، با این‌گونه نکته‌گیری‌ها مواجه شد. اینجا برخی از پاسخ‌های او را که در مناظره‌های رودررویی‌اش با نکته‌گیران داشت می‌آورم. این سخنان مارکس در مقاله "قیمت، ارزش و سود" چاپ شده است.

در آغاز، مارکس اشاره می‌کند که با افزایش حداقل دستمزد، تقاضا برای مایحتاج کارگران افزایش پیدا می‌کند و این فقط بخش بسیار کوچکی است از آنچه که اقتصاد تولید می‌نماید. چرا که بخش بزرگی از این تولید از برای ثروتمندان و شرکت‌های آنان صورت می‌گیرد. "زیرا مقادیر زیادی از مایحتاج خود را توسط خدمه، اسب‌ها و گربه‌هایشان به‌هدر می‌دهند" و مقایسه کنید این ریخت‌وپاش ثروتمندان را با نیازهای اولیه کارگران و البته حیوانات خانگی‌شان. وقتی که ما افزایش قیمت در خدمات و کالاها را احساس می‌کنیم، بلافاصله سرمایه‌دارانی که این محصولات و یا خدمات را ارائه می‌دهند (سرمایه‌دارانی که بنا به دلیل افزایش دستمزد کارگران‌شان از سودشان زده شده است) شروع خواهند کرد به تولید بیشتر تا از کارگران - که حالا توان خرید بالایی را دارند - سود بیشتری در بیاورند. دوباره قیمت‌ها را به دلیل رقابت پایین خواهند آورد. تفاوت اصلی فقط این است که کارگران از حاصل نیروی کار خود سهم بیشتری به‌دست خواهند آورد.

این نظریه به‌وسیله چندین پژوهش و بررسی تأیید شده که افزایش سریع دستمزد به افزایش قیمت و افزایش بیکاری منجر نمی‌شود. در سال ۲۰۰۶، پنج نفر از برندگان جایزه صلح نوبل به‌همراه ۶۰۰ اقتصاددان دیگر، این امر را در یک نامه سرگشاده اعلام کردند.

تعیین قیمت کالا دیگر بر اساس میزان دستمزد نیست. دستمزد فقط یک هزینه دیگری برای نیروی کار محسوب می‌شود. دستمزد بهای نیروی کار است و این دستمزد بر اساس میزان قیمت‌ها و برای ادامه زندگی است. مارکس در جای دیگر و در نوشته‌ای به‌نام "دستمزد، کارگر، و سرمایه" بیان می‌کند که دستمزد هزینه زنده نگه‌داشتن کارگران برای برگشت به کار است، البته این امر در کل برای کارگران بوده و نه برای بخش معینی از کارگران. مارکس می‌گوید: "درنتیجه، میلیون‌ها کارگر به‌اندازه کافی درآمد ندارند که بتوانند ادامه حیات داده و یا تولیدمثل کنند" ولی دستمزد برای طبقه کارگر بر اساس حداقل‌ها تغییر می‌کند. گفتن اینکه قیمت‌ها بستگی به میزان دستمزد که خود آن هم وابسته به میزان قیمت‌ها است، در واقع حرکت در دایره است. همچنین اینکه بگوییم دستمزدها همانند کالا در مواقع کاسبی بد کاهش یافته و نمی‌توانند در مواقع رونق اقتصادی افزایش یابند یک انحراف است. نمی‌توان دستمزد را همانند کالا در نظر گرفت که هر وقت برای ثروتمندان مناسب بود افزایش داده و اگر مناسب نبود، نه! این امر شرایط

ادامه در صفحه ۳

## آموزگاران مدرسه‌های خصوصی بنگلادش: به تبعیض در پرداخت دستمزد پایان دهید! اتحادیه فرهنگیان بنگلادش اعتصاب آموزگاران را سازمان‌دهی کرد



ابراز همبستگی فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری با آموزگاران و کارکنان مؤسسه‌های آموزشی خصوصی بنگلادش. فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری، خواستارند، همبستگی بین‌المللی‌اش را، با آموزگاران و کارکنان مؤسسه‌های آموزشی خصوصی بنگلادش، که شمول در لیست پرداخت‌های ماهیانه دولتی را ابراز می‌کند. آموزگاران و کارکنان مدرسه‌های خصوصی از دهم ژوئن ۲۰۱۸ (۲۰ خردادماه) در حال اعتصاب و نیز از اول ژوئیه (۱۰ تیرماه) اعتصاب غذای خود را تا دستیابی کامل به‌خواست‌هایشان، در مقابل ساختمان مرکزی خبر "داکا"، پایتخت بنگلادش، شروع کرده‌اند. دولت بنگلادش در ژانویه گذشته نزدیک به ۸۰ هزار آموزگار از ۵۰۰۰ مدرسه غیردولتی که از سیستم پرداخت‌های ماهیانه دولتی خارج هستند،



قول رسیدگی به‌خواست‌هایشان را داده بود. فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری، به‌نامندگی از سوی ۹۰ میلیون کارگر عضو خود از ۱۲۶ کشور و ۵ قاره جهان، از مبارزات کارکنان، فرهنگیان و آموزگاران مدرسه‌های خصوصی بنگلادش و همچنین از اتحادیه آموزگاران بنگلادش حمایت کرده و هم‌صدا با آنان، پرداخت دستمزد مناسب و احترام به حقوق‌شان در محیط‌های کاری‌شان را خواستاریم. ما از مسئولان می‌خواهیم که بلافاصله درخواست‌های آنان را برآورده کنند.

## دبیرخانه فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

- آدرس‌های پستی:
1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
  2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
- آدرس‌های اینترنت و "ای-میل": <http://www.tudehpartyiran.org>  
E-Mail: [dabirxhaneh\\_hti@yahoo.de](mailto:dabirxhaneh_hti@yahoo.de)

ضمیمه کارگری نامه مردم - شماره ۱۲  
Nameh Mardom - Workers Supplement No. 12

14 October 2018

شماره فاکس و تلفن  
پیام گیر ما

004930  
23629727

